

حاکمیت از سر اسبصال بجای اب نفت برایش ختم مردم می‌پاشند!

امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

در بیستمین روز حماسه‌ی گلگون مردم ایران، حاکمیت اسلامی در تنگنای جنبش عمومی سیاسی مردم سراسر جغرافیای ایران، دست و پا می‌زند. دیروز شاهد چند سناریوی مضحک و مبتذل دیگر بودیم که نشان می‌دهد گلوگاه حکومت مستأصل، تا خرخره گیرکرده و دنبال راه فرار می‌گردد.

دیروز خانم **آنیشا اسدالهی** - که پیشتر در اردیبهشت ماه به همراه همسرش **کیوان مهدی** نویسنده و مترجم و از حامیان طبقه‌ی کارگر، در پی پرونده‌سازی و اتهامات واهی، جهت سرکوب اعتراضات معلمان و کارگران، به همراه تنی چند دستگیر و بعدتر با قرار وثیقه دو میلیارد تومانی آزاد شد اما کیوان مهدی همسرش، همچنان در زندان اوین با آقایان: **رضا شهابی**، **حسن سعیدی** و **داود رضوی** از فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد و **رسول بدایی**، **محمد حبیبی** و **جعفر ابراهیمی** از معلمان شناخته شده شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در حبس به سر می‌برد - آنیشا اسدالهی در توثیتی کوتاه خبر داد: «سیزدهم مهرماه، اخبار ساعت ۲۱، شبکه یک مجدداً تصویر ما را با اسم آورد... اینبار در ارتباط با وقایع اخیر... ای خاک بر سر سناریوسازی سوختن...»

گفتنی است که خانم آنیشا اسدالهی در همان بیان مختصر توثیت‌اش اشاره داشت: «اینبار در ارتباط با وقایع اخیر...» واقعاً این صدا و سیمای بی اعتبارچقدر باید ابله باشد که از چهره‌هایی یاد کند که از اردیبهشت ماه در بازداشت و زیربازجویی در بند امنیتی ۲۰۹ اوین زیر حمله‌ای از فشار روانی، بدون درمان و ملاقات کسان‌شان، زندانی‌اند و آنگاه که با مقاومت و ماندگاری یکایک زندانیان یاد شده نتوانستند اتهامات‌شان را ثابت کنند، دست از پاکوتاتر، آنان را به بند عمومی فرستادند؛ هرچند بر خلاف قوانین مانع از آزادی آنان با وثیقه شده‌اند! چگونه است آنان را امروز در سازماندهی و دخالتگر پهنه‌ی گسترده‌ترین اعتراضات سراسر ایران، آن‌هم در شرایطی که آنان در زندانند و دستشان از همه جاکوتاه است، موضوع نمایش تلویزیونی‌شان می‌نامند؟! جنبشی که نقش واقعی به پا خاستن مردم را در سراسر دنیا و در نشست‌های جهانی دارد و نام‌های **مهسا امینی**‌ها، **نیکا شاکرمی**‌ها، **حدیث نجفی**‌ها، **سارینا اسماعیل‌زاده**‌ها و... در ابعاد چند صد میلیونی، تکثیر و دنبال شده، نشانه‌ی درماندگی و استیصال و سقوط همه جانبه‌ی تقلا‌ی بازجویان نادان و ابله، در کنار بوقچی اعظم ساکن روزی‌نامه‌ی **کیهان**، حسین شریعتمداری و نوچه‌هایش در صدا و سیمای اسلامی و دیگر خبرنگاران آزاد رونمایی شده است. تنها از روی همین درماندگی‌ست، آنهم در هنگامه برافروختگی کل جامعه در برابر کلیت نظام اسلامی و نشانه‌گیری دیکتاتور، بار دیگر به سناریوسازی سوخته روآورده، اتهامات بی‌بنیان جدیدی متوجه فرزندان شریف و ارجمند طبقه‌ی کارگران مرزوبوم که در زندان‌اند ساخته و بار دیگر به نمایش گذاشته است. مردم برای این سناریو سازی‌ها، تره هم خورد نمی‌کنند.

ردالت دیگر، روایت جعلی قتل مهسا امینی توسط کارشناس تلویزیون المنار، وابسته به گروه حزب الله لبنان است که با پول مردم ستم‌دیده‌ی ایران اداره می‌شود. شخصی بیمایه که خود را با دستگاه امنیتی رژیم اسلامی هماهنگ و همراه کرده است در یک برنامه‌ی این شبکه‌ی تلویزیونی ادعا می‌کند: «مهسا امینی عضو گروه کومه له بود که با اسرائیل همکاری دارد، مهسا به ایستگاه پلیس رفته بود تا در آن ایستگاه پلیس، عملیات انتحاری انجام بدهد، قرص خودکشی در دهانش گذاشت...!» این داستان سرایی بیمارگونه و سخیف، نشان از به میان کشیده پای سازمان سیاسی «کومه له» و برای سرپوش گذاشتن گند عملیات تجاوزگرانه‌ی نظامی حکومت جمهوری اسلامی علیه پایگاه‌های احزاب کردی در خاک عراق که کشوری عربی محسوب می‌شود، برای مخاطبان عرب زبان این شبکه‌ی تلویزیونی وابسته است. این نظام تمام ابزار و امکانات اهریمنی خود را به‌کار گرفته تا انس و جنس را در خدمت سیستم سیاست‌های ناکارآمد خود بگیرد تا موشک‌باران مهلک خود را بر روی گروه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی در خاک کشوری دیگر توجیه کند!

بعد از بیست روز خفه خون گرفتن، دستگاه تبلیغات گوبلزی حکومت استبدادی جمهوری اسلامی، به چنین سناریوی جعلی و ردیلا نه و ضد انسانی چنگ می‌زند که دختر جوانی را به سازمانی سیاسی «کومه له» که پیشینه‌ی روشنی در جنبش اجتماعی کردستان داشته و دارد بی‌الاید و با انتصاب مهسا امینی به آن، رفتارهای غیرقانونی‌اش را در ارتکاب جنایتی، با ارتکاب جنایتی دیگر موجه جلوه دهد!

نمایش اعترافات اجباری تلویزیونی **آتش شاکرمی** خاله و **محسن شاکرمی** دایی نیکا شاکرمی، در صدا و سیمای حکومتی تقلای بی‌حاصلی‌ست که به وضوح زیر فشار نیروهای امنیتی ساخته و پرداخته شده و نشانه‌ی سناریوی دیگری‌ست که این نیز به خشم و عصبیت بیشتر مردم دامن زده و آتش اعتراضات را شعله‌ورتر ساخت و این نقشه‌ی مغزهای پوک امنیتی‌های حکومت نیز نزد افکار عمومی جامعه ناکام ماند. نویسندگان سناریوی شرم‌آور امنیتی علیه این دختر نوجوان ابتدا سعی کردند با ترویج شایعاتی از قبیل «تجاوز کارگران به نیکا شاکرمی» که با روایت بعدی خودشان در تضاد کامل قرار دارد، میان خانواده‌ها و فرزندان‌شان تفرقه انداخته و ایجاد رعب و وحشت کنند، متأسفانه تعدادی از رسانه‌های زرد و نویسندگان فرصت‌طلب و جویای نام‌شان هم این خط حکومت را در ایجاد رعب و وحشت را پیش می‌برند؛ این نگاه و تعریف از یک قربانی و کشته شده در اعتراضات مردم انقلابی، از بنیان ضد زن و ضد طبقه‌ی کارگر است. اما این تناقض افشا شد. **نسرین شاکرمی** مادر جسور نیکا طی پیام ویدئویی اعلام داشت: «که برادرو خواهرش مجبور به اعتراف دروغین شده اند و نیکا در همان تظاهرات روز ۲۹ شهریور در تهران با ضربات امنیتی کشته شد» همچنین تاکید داشت: «دخترم را کشتند و مرا به اعتراف اجباری تهدید می‌کنند: طی دیروز و امروز دانش‌آموزان دختر بیش از پیش به خیابان‌ها آمده و اعتراض خود را دررسای قتل نیکاشاکرمی و مهسا امینی و دیگر یاران هم‌نسل خود فریاد زدند.

رژیم با نمایش این ترفندهای بی‌مایه، مصداق ضرب المثل «الغریق یتشبث بکل حشیش» غرقه در طوفان خشم مردم، پرکاهی را بر سطح آب، کنده‌ی درخت می‌بینید و بر آن چنگ می‌زند. این ترفندها را به جایی نمی‌برند. به گواه تاریخ، دوران سیاه سلطه‌ی شما به سر آمده و اگر این مردم لطفی به شما داشته باشند، شما را به جایگایی که از آن آمده‌اید بر می‌گردانند تا **سیوطی** بخوانید و **لمعه** ورق بزنید و در تاریکنای حجره‌های‌تان به سر و کوی هم بیاورید و کشف العجایب کنید.

جالب توجه این‌که در مقابل این سناریوهای تباه و سیاه حکومت که برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر ساخته و پرداخته می‌شوند، دانش‌آموزان، این عضله‌ی بیدار جامعه، خیابان‌ها را از قدم خود گل‌افشان ساختند؛ این‌ها امید فرداهای مایند. روز ما فرداست، فردا روشن است، چنین کنیم و چنین بادا!

پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۰۶ اکتبر ۲۰۲۲